



## ارائه مدل علی رفتار محیط‌زیستی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین و نقش واسطه‌ای سبک‌های پردازش هویت در دانش‌آموزان دبیرستانی

سعید مظلومیان<sup>۱</sup>، سعید طالبی<sup>۱</sup>، سهیلا صالحی<sup>۲\*</sup>

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش محیط‌زیست، دانشگاه پیام نور

دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۸ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۲۳

### Causal Model of Environmental Behavior based on Parenting Styles and the Mediating Role of Identity Processing Styles in High School Students

Mazlounian, S.<sup>1</sup>; Talebi, S.<sup>1</sup>; Salehi, S.<sup>2\*</sup>

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Payam Noor University

2. Master Student of Environmental Education, Payame Noor University

Received: 2016/6/7

Accepted: 2016/9/13

#### Abstract

The aim of the present research is to offer a causal model of the environmental behavior based on parenting styles and interactive role of identity processing styles among high school girls in Darab. For this purpose, among 13480 high school girls studying in grade 2 in 2015-2016 in Darab, about 375 of high school girls were selected as the research sample through relatively stratified sampling. Measurement tools were Schiffer's parenting questionnaire (1965), Berzonsky's identity processing style questionnaire (1979) and Emamgholi's environmental behavior questionnaire (2011). In this research descriptive and inductive statistical methods such as correlative and route analysis were used to analyze the hypotheses. The research findings showed that the parenting styles through identity processing styles had an indirect and meaningful effect on the environmental behavior, and the most to the least indirect effect on the environmental behavior was related to the dictatorial, decisive, indifferent, and neglectful parenting respectively through identity processing styles. Also, informational and normative identity had an indirect and positive effect and bewildered-avoiding identity had a negative and meaningful effect on the environmental behavior. Based on the findings of this research, parenting styles and identity processing styles express 41% of changes in the environmental behavior.

**Keywords:** Environmental Behavior, Identity Processing Styles, Parenting Styles.

#### چکیده

هدف از پژوهش حاضر ارائه مدل علی رفتار محیط‌زیستی بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین و نقش واسطه‌ای سبک‌های پردازش هویت در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه شهر داراب است. بدین منظور از بین ۱۳۴۸۰ دانش‌آموز دختر مقطع متوسطه دوم مشغول به تحصیل در سال ۹۵-۹۴ در شهر داراب با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی، تعداد ۳۷۵ دانش‌آموز به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری شامل پرسش‌نامه فرزندپروری شیفتر (۱۹۶۵)، پرسش‌نامه سبک پردازش هویت برزونسکی (۱۹۷۹) و پرسش‌نامه رفتار محیط‌زیستی امام‌غلی (۱۳۹۰) می‌باشد. در این پژوهش از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی نظیر همبستگی و تحلیل مسیر به منظور آزمون فرضیات استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک‌های فرزندپروری از طریق سبک‌های پردازش هویت بر رفتار محیط‌زیستی دارای اثر غیرمستقیم و معنادار می‌باشد و بیش‌ترین تا کم‌ترین تأثیر غیرمستقیم بر رفتار محیط‌زیستی به ترتیب مربوط به شیوه‌ی مستبدانه، قاطعانه، بی‌تفاوت و سهل‌گیرانه از طریق سبک‌های پردازش هویت است. همچنین هویت اطلاعاتی و هنجاری بر رفتار محیط‌زیستی دارای اثر مستقیم و مثبت و هویت سردرگم-اجتنابی بر رفتار محیط‌زیستی دارای اثر معنادار و منفی می‌باشد. بر اساس یافته‌های این پژوهش سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های پردازش هویت ۴۱ درصد از تغییرات رفتار محیط‌زیستی را تبیین می‌کنند.

**واژه‌های کلیدی:** رفتار محیط‌زیستی، سبک‌های پردازش هویت، شیوه‌های فرزندپروری.

\* نویسنده مسئول - رایانامه: [ssalehi307@yahoo.com](mailto:ssalehi307@yahoo.com)

## مقدمه

رفتار محیط‌زیستی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های محیط‌زیستی جوامع مدرن مطرح گردیده است. طرح این مفهوم در بسیاری از رویکردهای محیط‌زیستی حاکی از اهمیت نقش این رفتارها در محیط طبیعی است (Emamgholi, 2011:5).

از نظر مفهومی، رفتارهای محیط‌زیستی، مجموعه‌ای از کنش‌های افراد جامعه نسبت به محیط‌زیست است که در یک طیف وسیع از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتار نسبت به محیط زیست را شامل می‌شود (Aghili et al., 2009:237).

در طول تاریخ برای مدت‌های بسیار زیادی مسائل محیط‌زیستی نادیده انگاشته می‌شد؛ اما امروزه مس‌اثل محیط‌زیستی به دلیل وابستگی متقابل و غیرقابل تفکیک محیط‌زیست با مباحث کلان انسانی از جمله فرهنگ، اقتصاد، توسعه و سیاست و بسیاری دیگر از جنبه‌های مادی و معنوی حیات انسان، توجه بسیاری از پژوهش‌گران از جمله جامعه‌شناسان را به خود جلب کرده است (Esmaeili, 2009:23).

امروزه با افزایش مسائل محیط‌زیستی مانند: بحران انرژی، اتلاف و تخریب منابع طبیعی و افزایش مواد زاید ناشی از توسعه شهرنشینی و صنعتی، اثر انسان بر محیط مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است؛ زیرا آنها بسیاری از این معضلات را ناشی از پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم رفتارهای انسان می‌دانند (Williams, 2002, quoted by Ferdowsi et al., 2007:15).

با توجه به محرز شدن نقش انسان در مسائل محیط‌زیستی امروزه مطالعه رفتار انسانی از اهمیت زیادی برخوردار شده است. در ادبیات نیمه قرن بیستم به بعد چنین مطرح می‌شود که مشکلات محیط‌زیستی که به دست انسان به وجود آمده است، تماماً نمی‌توانند با به‌کارگیری فناوری صرف، حل شوند و تغییر در رفتار انسان مورد نیاز است و اهمیت این موضوع تا حدی است که سمت و سوی علوم محیط‌زیستی از علوم محیطی و فیزیکی به سمت علوم رفتاری در حال تغییر و انتقال است (Mahbobi, 2009:58).

در قرن حاضر رفتارهای محیط‌زیستی انسان، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عوامل بر محیط‌زیست، مورد توجه

بسیاری از جامعه‌شناسان محیط‌زیستی قرار گرفته است.

رفتارهای محیط‌زیستی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فردی و روان شناختی و غیره است. بر اساس تحقیقات استرن<sup>1</sup> (۲۰۰۰) عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی شامل دانش، مهارت، متغیرهای جمعیت‌شناختی، انجام رفتار قابلیت‌های عمومی، عادت به روش عملکرد استاندارد و عوامل نگرشی (هنجارها، باورها و ارزش‌ها) می‌باشد که این عوامل زمینه عمومی را برای نیت محیط‌زیستی فراهم می‌کند که آن هم به نوبه خود می‌تواند تمامی رفتارهای محیط‌زیستی فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

رفتار شهروندان در برخورد با محیط‌زیست اطراف‌شان عامل مهمی در کاهش مخاطرات محیط‌زیستی است و تنها تغییر در رفتار انسانی می‌تواند این مشکلات محیط‌زیستی را کاهش دهد.

رفتار افراد تحت تأثیر تمایلات، انگیزش‌ها، هنجارها و غیره است (Smarkola, 2008 quoted by Lagzian, 2014:335) و در این راستا شناسایی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر رفتارهای محیط‌زیستی شهروندان ضروری است (Mokhtari Malek, 2014:1).

مسائل محیط‌زیستی تحت تأثیر رفتار گروه‌های مختلف اجتماعی است و عوامل زیادی از جمله هویت افراد در شکل‌گیری شخصیت و ایجاد این رفتار مؤثر هستند. یکی از گروه‌های اجتماعی که در ارتباط با مسائل محیط‌زیستی از اهمیت بسیاری برخوردارند، نوجوانان و دانش‌آموزان و به خصوص دانش‌آموزان دوره متوسطه می‌باشند.

دوره نوجوانی از نظر درونی با شکل‌گیری تفکر انتزاعی و بلوغ شروع می‌شود، فصل جدیدی را در زندگی نوجوان رقم می‌زند که در مرکز آن هویت‌یابی قرار دارد (Rahmanpur, 2010:2). نوجوان و هویتش علاوه بر جنبه‌های فردی، از زمینه‌های اجتماعی (مثل تعاملات بین اعضای خانواده و همسالان) نیز تأثیر می‌پذیرد. امروزه بررسی تأثیر خانواده بر شکل‌گیری هویت در دوره نوجوانی مورد توجه روان‌شناسان قرار گرفته است. روش‌های فرزندپروری والدین بخش مهمی از این زمینه اجتماعی هستند که

را در والدین می‌توان توصیف کرد که عبارت‌اند از :  
۱. والدین قاطع؛ ۲. والدین مستبد؛ ۳. والدین سهل‌گیر؛ ۴. والدین بی‌تفاوت. والدین قاطع در عین حال که به نیازهای فرزندان توجه دارند به بیان انتظارات و توقعات خویش می‌پردازند و قواعد و مقرراتی را در منزل اعمال می‌نمایند. والدین مستبد، پذیرای نیازهای فرزندان نیستند؛ اما بر اطاعت از قوانین تأکید دارند. والدین سهل‌گیر برعکس والدین مستبد هستند؛ بدین معنی که محبت زیاد و مهار کمی را اعمال می‌کنند. والدین بی‌تفاوت در هر دو بعد محبت و کنترل بی‌توجهی می‌کنند. بدین معنا که نه پذیرای نیازهای فرزندان هستند و نه بر رفتار آن‌ها نظارت دارند (Fooladchang et al., 2010:6).

خانواده‌ها از شیوه‌های مختلفی در برخورد با فرزندان خود استفاده می‌نمایند که در بسیاری از موارد خود نیز از شیوه‌های به‌کار برده شده و پیامدهای آن از جمله تأثیر زیاد آن بر هویت و شخصیت فرزندان بی‌اطلاع هستند.

هدف همه سبک‌های فرزندپروری، شکل‌دهی به شخصیت روانی و هویت نوجوان است. با توجه به الزاماتی که برای بررسی سیستم خانواده و رابطه آن با رشد هویت وجود دارد و توسط برخی محققان بیان شده است (Allison & Sabbatelli, 1988:3) بررسی این‌که روابط نوجوانان با والدین‌شان و روابطی که در خانواده تجربه می‌کنند به عنوان یک کل، تا چه اندازه بر رشد هویت آنها تأثیر می‌گذارد، جالب توجه است (Adams & Shawn, 2014:79).

از نظر مارسیا<sup>۲</sup> هویت، سازمان دادن یک خود درونی شامل ساخت خود، سیستم باورها، آرزوها و عقاید، مهارت‌ها و تاریخچه فردی، که در واقع نتیجه یک بحران است، می‌باشد (Ansari & Oskooee, 2001 quoted by Mohammadi, 2008:41). به عبارتی هویت شامل هنجارها، نگرش افراد و نقش اجتماعی و ادراک وی از آن است که به معنای یک چارچوب عمل می‌کند که فرد به منظور تفسیر تجارب شخصی و گفتگو درباره معنا، هدف و جهت‌گیری زندگی خود از آن استفاده می‌کند (Erikson, 1968) (quoted by Berzonsky, 2005:130).

نوجوان رشد فردی و انتقال‌های زندگی خود را در آن تجربه می‌کند (Bronfenbrenner quoted by , 1986:130). از آن‌جا که خانواده مهم‌ترین بخش از محیط کودک است به همین دلیل قوی‌ترین عامل اجتماعی کردن کودکان تلقی می‌شود که در شکل‌دادن به شخصیت، خصوصیات و انگیزه‌ها نقش کلیدی دارد (Sandy, 2010:2). نگرش‌ها و اعتقادات و رفتارهای والدین که در قالب الگوی خانوادگی یا شیوه‌های فرزندپروری نمود پیدا می‌کند، عامل بسیار مهمی در تکوین شخصیت و تثبیت خصوصیات اخلاقی فرزندان و هویت محسوب می‌شود (Kargar Shuli & Paknejad, 2003:170).

به گفته برنستاین شیوه‌های فرزندپروری که والدین اتخاذ می‌کنند اهمیت زیادی در باورهای فرزندان دارد تا توانایی‌های خود را بشناسند (Bornstein, 2008:498).

هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به‌کار می‌برد که از آن به عنوان سبک‌های فرزندپروری یاد می‌شود و این‌که والدین کدام نوع از انواع سبک‌های مختلف فرزندپروری را در خانواده اتخاذ کنند، تأثیر مهمی بر ابعاد مختلف زندگی فرد می‌گذارد.

شیفر<sup>۱</sup> (۱۹۶۵) روان‌شناس آمریکایی از جمله کسانی است که در رابطه با شیوه‌های فرزندپروری پژوهش‌های بی‌شماری انجام داده است. او بر اساس مشاهداتی که از تعامل کودکان ۱ تا ۳ ماهه با مادرشان انجام داد، چهار الگوی فرزندپروری را براساس دو بعد رفتار والدین یعنی آزادی و کنترل (سهل‌گیری در مقابل سخت‌گیری) و سردی-گرمی (پذیرش در مقابل طرد) ارائه نمود (Khajehpur, 2005:34).

الف) پذیرش (گرمی): که شامل حمایت و پرورش عاطفه مثبت بین والدین و کودک است. ب) کنترل: شامل آن دسته از رفتارهای والدین است که رفتار کودک خود را هدایت می‌کنند مانند: راهنمایی و کنترل-بازدارنده یا تسهیل‌کننده (Mehrabi, 2004) (quoted by Hoseininasab, 2007:28).

بر اساس این دو بعد- محبت و کنترل- چهارگونه سبک تربیتی

2. Marcia

1. Shaffer

سبک با خوداندیشی، خودآگاهی و تلاش شناختی همبستگی منفی دارد. در این سبک فرد همواره به درخواست‌های موقعیتی واکنش نشان می‌دهد. این گروه با تعلل و درنگ زیاد، در تصمیم‌گیری برای مسائل شخصی و هویتی مشخص می‌شوند (Keshavarzi, Arshadi, 2009:45).

بنابراین هویت‌های مختلف با داشتن باورها و ارزش‌های مختلف، شخصیت‌ها و رفتارهای متفاوتی دارند. در کل می‌توان گفت انسان‌ها با هر نوع عقیده‌ای که دارند خود را ملزم به رعایت یک‌سری اصول اخلاقی فردی و اجتماعی می‌دانند؛ زیرا رمز موفقیت و حیات جامعه نیز پای‌بندی به همین اصول است. امروزه بحرانی که برای محیط‌زیست به وجود آمده است، نتیجه خارج شدن از این ارزش‌های اخلاقی است. از اینرو برای بیرون آمدن از این بحران باید به دنبال یک راه‌حل عقلانی باشیم؛ زیرا فرد متمدن برای ادامه زندگی نیاز به اصول و ارزش‌های اخلاقی دارد و بدون آن ادامه مسیر غیرممکن است (Shobeiri et al., 2014:84).

جامعه مورد تحقیق، شهر داراب، در جنوب شرقی استان فارس قرار دارد که مانند بسیاری از مناطق دیگر کشور با اغلب مسائل و معضلات محیط‌زیستی از جمله کمبود آب، مصرف بالای انرژی و آلودگی‌های محیط‌زیست مواجه است. همچنین با وجود داشتن جاذبه‌های تاریخی و طبیعی بسیار زیاد این شهرستان که می‌تواند موجب جذب گردشگر و به دنبال آن ایجاد منابع مالی برای مردم آن شود، به دلیل بروز رفتارهای نامناسب محیط‌زیستی از طرف مردم محلی و بومی (ریختن زباله در محیط، آتش زدن پوشش گیاهی و تخریب منابع طبیعی و بناهای تاریخی و...)، این شهرستان را با مشکلات عدیده محیط‌زیستی مواجه کرده است. در این راستا نقش نوجوانان و جوانان این شهر به‌ویژه دختران به عنوان مادران آینده که می‌توانند در تربیت فرزندان و در خانواده مؤثر باشند، بسیار مهم است.

تغییر در رفتار مردم در برخورد با محیط زیست اطرافشان می‌تواند باعث کاهش مخاطرات و بحران‌های محیط‌زیستی منطقه گردد. اگر فرزندان پرورش یابند که دارای احساس تعهد بالا و مسئولیت‌پذیری نسبت به خود و جامعه و محیط زیست باشند و ارزش‌های محیط‌زیستی را بشناسند و به اهمیت و ضرورت حفاظت از محیط زیست واقف باشند، به طور قطع می‌توانند با انجام

همچنین در نظر بروزنسکی (۱۹۸۸) ارتباط بسیار نزدیکی بین وضعیت هویتی هر فرد و این‌که فرد درباره رفتار چگونه فکر می‌کند، وجود دارد (Streittmeter, 1993 quoted by Keshavarzi, Arshadi, 2009:44).

برزونسکی (۱۹۹۴) از سبک‌های پردازش هویت برای توصیف چگونگی پردازش اطلاعات مربوط به هویت استفاده کرده است. او بر این باور است که سبک‌های هویت، بازتابی از جهت‌گیری‌های پردازش اطلاعات هستند و نوجوان هنگام ساختن هویت خود و متعهد شدن نسبت به ارزش‌ها و باورها از آنها استفاده می‌کند. بر این اساس بروزنسکی از سه نوع سبک هویت نام می‌برد که عبارت‌اند از: "سبک اطلاعاتی، سبک هنجاری، سبک سردرگم-اجتنابی" (Fooladchang, 2010:4).

افرادی که سبک پردازش آنها "اطلاعات محور" است، افرادی فعال، جستجوگر و ارزیاب هستند و در مورد مفاهیم خود شکاک و نسبت به آگاهی‌های مربوط به خود گشاده‌اند و به طور مداوم در پی کسب اطلاعات مناسب جهت شکل‌دهی هویت خود می‌باشند. آنها به پردازش و ارزیابی اطلاعات قبل از تصمیم‌گیری می‌پردازند. این افراد به طور عمده خوداندیش هستند؛ بدین معنا که به طور مستمر به بازبینی مجدد اعتقادات خود اقدام می‌کنند. در تصمیم‌گیری محتاط بوده و دارای تفکری باز، وظیفه‌شناس و جدی می‌باشند (Berzonsky & Kuk, 2005 quoted by Keshavarzi, Arshadi, 2009:45).

افراد دارای "سبک هنجاری" ارزش‌هایی را می‌پذیرند که مورد قبول افراد معتبر است. این افراد در قبال ارزش‌های پذیرفته شده، احساس تعهد بالایی دارند و به طور معمول تمایلی به دریافت اطلاعات مغایر با ارزش‌های خود ندارند. این افراد نیاز زیادی به ساختار ذهنی و ارزشی آماده از خود نشان می‌دهند. در سبک هنجاری فرد ارزش‌های مراجع قدرت را می‌پذیرد. افراد دارای این سبک، انعطاف‌ناپذیرند و هدف‌های کاری و آموزشی مشخصی دارند که از بیرون کنترل می‌شود (Berzonsky & Kinney, 1995 quoted by Fooladchang, 2006).

افرادی که از سبک سردرگم-اجتنابی برخوردارند، از موقعیت‌هایی که مستلزم تصمیم‌گیری هستند، اجتناب می‌کنند این افراد از رویارویی با مسائل و تصمیم‌های شخصی بیزارند. این نوع

اما عملاً تنها در دهه‌های اخیر اهمیت پژوهش در باب رفتار محیط‌زیستی افزایش یافته‌است.

در ایران نیز فردوسی (۱۳۸۶)، دانشورراد (۱۳۸۸)، امامقلی (۱۳۹۰)، کریمی (۱۳۸۹)، صالحی و همکاران (۱۳۹۲)، مختاری ملک‌آبادی (۱۳۹۱)، اسمعیل‌زاده (۱۳۸۸)، فرهمند (۱۳۹۳)، حاجی‌زاده میمندی (۱۳۹۳) هر کدام عوامل مؤثر بر رفتارهای محیط‌زیستی شهروندان را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنها آگاهی محیط‌زیستی و شناخت مسائل محیط‌زیستی را متغیر مؤثری بر رفتارهای محیط‌زیستی می‌دانند. محققان مذکور بر این باورند که افزایش آگاهی عمومی محیط‌زیستی می‌تواند بر نگرش‌های محیط‌زیستی افراد تأثیر گذاشته و نهایتاً منجر به رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط‌زیست شود (Salehi et al., 2013:174).

بسیاری از محققان پیشین تلاش کرده‌اند که عوامل مؤثر بر رفتار محیط‌زیستی را شناسایی کنند و هر یک توانسته‌اند به چند متغیر پیش‌بین اشاره کنند. از عوامل مؤثر بر رفتار، عوامل فردی و اجتماعی است که از میان این عوامل تأثیر خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی و شیوه‌های تربیتی آنان و ایجاد سبک‌های پردازش هویت در افراد می‌تواند در بروز رفتار مسئولانه محیط‌زیستی مؤثر باشد، که در پژوهش‌های پیشین تاکنون تأثیر این متغیرها بررسی نشده است.

همچنین محققان و روان‌شناسان زیادی مانند: دارلینگ و استرلینگ (۱۹۹۵)، شیفر (۱۹۶۵)، استین (۲۰۰۲)، اریکسون (۱۹۵۹)، مک‌کوبی و مارتین (۱۹۸۳)، مهرافروز (۱۳۷۸)، در مورد تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر رفتارهای مختلف مانند عملکرد تحصیلی، مشکلات رفتاری کودکان و متغیرهای روان‌شناختی و رفتاری دیگر مطالعاتی انجام داده‌اند ولی هیچ کدام در مورد تأثیر این متغیر بر رفتار محیط‌زیستی به عنوان نوعی خاص از رفتار، تحقیقی انجام نداده‌اند.

از طرفی محققانی از جمله: برزونسکی و کوک (۲۰۰۵)، بیگلر و بولز (۲۰۰۶)، آفاسلانی (۱۳۷۸)، حجازی و همکاران (۱۳۸۶)، پاشا و گودرزبان (۱۳۸۷)، برزو (۱۳۹۳) و بسیاری دیگر از پژوهش‌گران مطالعاتی در مورد تأثیر هویت بر رفتارهای مختلف انجام داده‌اند ولی تاکنون تحقیقی در مورد تأثیر هویت بر رفتار محیط‌زیستی به عنوان نوع خاصی از رفتار انجام نشده است.

رفتارهای صحیح محیط‌زیستی در کاهش معضلات محیط‌زیستی مؤثر باشند و این رفتارها را به فرزندان خود نیز آموزش دهند. در این بین شیوه‌های تربیتی که خانواده اتخاذ می‌کند نقش مهمی در بروز رفتارهای مناسب و تثبیت خصوصیات اخلاقی و شخصیتی در نوجوانان و جوانان دارد.

بنابراین با توجه به نقش مؤثر و مهم والدین در تربیت فرزندان و اتخاذ شیوه فرزندپروری مختلف و با تأکید بر نقش هویت به عنوان یک عامل سرنوشت‌ساز در شکل‌گیری شخصیت و تأثیر این ویژگی بر رفتارهای فرزندان، این پژوهش سعی دارد بین سبک‌های فرزندپروری و رفتار محیط‌زیستی به عنوان نوعی خاص از رفتار با نقش میانجی سبک‌های پردازش هویت ارتباط و پیوند برقرار کند تا در نتیجه والدین با شناخت و به‌کار بردن شیوه‌های مختلف فرزندپروری بتوانند با تثبیت و ایجاد یک هویت موفق در فرزندان خود، آنان را آماده پذیرش نقش شهروندی کنند و افرادی مسئولیت‌پذیر، متعهد و دلسوز نسبت به دیگران، اجتماع و محیط‌زیست پیرامون‌شان پرورش دهند.

در گذشته تحقیقات زیادی در مورد رفتارهای محیط‌زیستی، شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های پردازش هویت به طور جداگانه انجام شده است؛ به طور مثال ذکاوت (۱۹۷۷)، دانلپ و ون‌لیر<sup>۱</sup> (۱۹۷۸)، دانلپ و کاتون<sup>۲</sup> (۱۹۷۹)، باتل<sup>۳</sup> (۱۹۷۹)، شان و هولزر<sup>۴</sup> (۱۹۹۰)، فیالو و جکوبسن<sup>۵</sup> (۱۹۹۴)، گرافتون و نولوز<sup>۶</sup> (۲۰۰۳)، پری‌زنگنه و لاکان (۲۰۰۵) و صالحی (۲۰۰۸)، به بررسی عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای محیط‌زیستی از جمله متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، جنس، طبقه اجتماعی، محل سکونت، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و سن فرزندان)، گرایش سیاسی، ایدئولوژی سیاسی، عملکرد محیط‌زیستی ملت‌ها، آگاهی محیط‌زیستی و عقیده دینی، پرداخته‌اند. سه بنیان‌گذار کلاسیک جامعه‌شناسی (دورکیم، مارکس و وبر) نیز در آثار خود به‌طور ضمنی به مباحث محیط‌زیستی پرداخته‌اند (Woodgate & Redclift, 1994 quoted by Ememgholi, 2011:7).

1. Ven liere & Dulnap
2. Cotton
3. Buttel
4. Holzer & Schahn
5. Jacobson & Fialloo
6. Knowles & Grafton

می‌شود. در این پژوهش به منظور محاسبه پایایی این پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و برای کل پرسش‌نامه ضریب پایایی ۰/۸۳ و مؤلفه‌های آن شامل فرزندپروری قاطع ضریب پایایی ۰/۸۴، مستبد ۰/۸۱، سهل‌گیر ۰/۸۴ و بی‌تفاوت ۰/۸۰ به دست آمد.

۲. پرسش‌نامه هویت بروزنسکی (۱۹۹۲) که شامل ۳۰ گویه است. ضرایب پایایی آن با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و برای کل پرسش‌نامه ضریب پایایی ۰/۶۹ و مؤلفه‌های آن شامل سبک اطلاعاتی ۰/۶۷، هویت هنجاری ۰/۶۹ و سردرگم-اجتنابی ۰/۷۱ به دست آمد. در مقابل هر گویه یک طیف ۵ گزینه‌ای مقیاس لیکرت قرار دارد و از گزینه "اصلاً به من شباهت ندارد"، نمره ۱ تا گزینه "کاملاً شبیه من است" نمره ۵ را شامل می‌شود.

۳. پرسش‌نامه رفتار محیط‌زیستی امامقلی (۱۳۹۰) که شامل ۲۸ گویه است. در این تحقیق ضریب پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد. پرسش‌نامه رفتارهای محیط‌زیستی دارای شش مؤلفه مصرف بهینه گاز، مصرف بهینه برق، مصرف بهینه آب، استفاده از تولیدات دارای استاندارد محیط‌زیستی، حفاظت از منابع طبیعی و استفاده از وسایل بازیافتی می‌باشد که در مقابل هر گویه یک طیف ۵ گزینه‌ای مقیاس لیکرت قرار دارد و از گزینه "همیشه" نمره ۵ تا گزینه "اصلاً" نمره ۱ را شامل می‌شود. در مجموع پرسش‌نامه واحدی حاوی ۱۴۵ سؤال، آماده و در بین دانش‌آموزان توزیع گردید.

برای تحلیل داده‌های حاصل از اجرای پرسش‌نامه‌ها، شاخص‌های آماری توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی بالاترین نمره و پایین‌ترین نمره مورد استفاده قرار گرفت و از شاخص‌های آمار استنباطی با توجه به این که در پژوهش حاضر، متغیرهای واسطه‌ای (میانجی) وجود داشت، برای بررسی اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار آماری لیزرل استفاده شد. روایی محتوایی ابزار پژوهش با نظر اساتید راهنما و مشاور و صاحب نظران آموزش محیط زیست و روان‌شناسی تربیتی مورد تأیید قرار گرفت.

همچنین با توجه به بررسی تحقیقات گذشته تاکنون تحقیقی که این متغیرها را در قالب مدل، مورد آزمون قرار دهد، انجام نگرفته است؛ بنابراین پژوهش حاضر به دنبال آن است که مدلی را در تبیین رفتار محیط‌زیستی ارائه دهد.

## مواد و روش‌ها

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی (غیرآزمایشی) است. در میان زیر-مجموعه‌های تحقیق توصیفی، طرح همبستگی برای انجام این پژوهش انتخاب شد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوره دوم دبیرستان‌های شهر داراب مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ بود که تعداد ۳۷۵ نفر از دانش‌آموزان (از میان ۱۳۴۸۰ نفر) بر اساس جدول کرجسی و مورگان به عنوان نمونه انتخاب شدند.

با توجه به این که شهر داراب به دلیل مهاجرپذیر بودن دارای قومیت‌های مختلف با فرهنگ‌های متفاوت است و از طرفی دارای مدارس خاص در سطح شهر همانند (مدارس تیزهوشان، شاهد، نمونه‌دولتی و...) است که با آزمون‌های ورودی، دانش‌آموز می‌پذیرند، توزیع دانش‌آموزان در مدارس شهر یکسان نیست؛ بنابراین برای نمونه‌گیری در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی استفاده شد. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها در تحقیق حاضر، پرسش‌نامه بود که شامل پرسش‌نامه‌های ذیل است:

۱. پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری والدین که توسط نقاشیان در سال ۱۳۵۸ بر مبنای کار شیفر (۱۹۶۵) تهیه و تنظیم گردیده و شامل ۷۷ گویه است. این پرسش‌نامه بر اساس دو بعد محبت (سردی و گرمی) و کنترل (کنترل-آزادی) تدوین شده است و شامل ۷۷ گزینه مثبت و منفی می‌باشد. شیوه‌ی نمره‌گذاری این پرسش‌نامه بر اساس مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت از دامنه "خیلی موافقم تا خیلی مخالفم" می‌باشد. برای گویه‌های مثبت به ازای پاسخ "خیلی موافقم" نمره ۵ و به ازای پاسخ "خیلی مخالفم" نمره ۱ منظور می‌شود و برای گزینه‌های منفی برعکس عمل

جدول ۱. شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
شیوه قاطعانه	۳/۸۰	۳/۲۲	۱/۲۶	۰/۶۱
شیوه سهل‌گیر	۲/۸۷	۴/۷۹	۱/۰۸	۱/۷۹
شیوه مستبدانه	۲/۳۹	۲/۰۷	-۰/۱۳	-۰/۶۴
شیوه بی‌تفاوت	۳/۱۷	۲/۹۸	۰/۳۷	-۰/۵۴
هویت اطلاعاتی	۴/۵۳	۳/۱۱	۰/۶۶	۱/۲۵
هویت هنجاری	۳/۵۶	۳/۳۷	۰/۲۶	۱/۵۹
سردرگم-اجتنابی	۴/۴۴	۳/۴۸	-۰/۲۱	-۱/۳۶
رفتار محیط‌زیستی	۳/۷۲	۳/۵۴	-۱/۲۲	۰/۴۲

#### یافته‌ها

نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشند و هویت اطلاعاتی و هنجاری همبستگی مثبت و هویت سردرگم-اجتنابی همبستگی منفی با رفتار محیط‌زیستی دارد.

ضمناً در این ماتریس کمترین ضریب همبستگی مربوط به رابطه بین سبک فرزندپروری بی‌تفاوت و هویت اطلاعاتی (۰/۰۶) است که از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. علاوه بر این، بالاترین ضریب همبستگی، مربوط به رابطه بین سبک هویت اطلاعاتی و رفتار محیط‌زیستی (۰/۵۳) است که از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار می‌باشد (جدول شماره ۲).

یافته‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد اثر مستقیم شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه بر هویت اطلاعاتی دانش‌آموزان برابر با ۰/۲۴-، بر هویت هنجاری دانش‌آموزان برابر با ۰/۲۵- و بر هویت سردرگم-اجتنابی دانش‌آموزان برابر با ۰/۲۴ که هر سه در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

در جدول شماره ۱ شاخص‌های آمار توصیفی برای نمونه مورد بررسی ( $n=375$ ) آورده شده است. برای اندازه‌گیری میانگین سوالات مربوط به مؤلفه‌های هر متغیر با هم جمع و بعد میانگین گرفته شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود با توجه به مقادیر بدست آمده کجی و کشیدگی برای متغیرهای پژوهش بین ۲- و ۲+ قرار دارد و توزیع تمامی متغیرها نرمال است، بنابراین می‌توانیم جهت تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش از مدل تحلیل مسیر استفاده کنیم. ضمناً با توجه به این که شیوه نمره‌گذاری ابزارهای پژوهش بر اساس مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت و دامنه نمرات ۱ تا ۵ بوده است و بر این اساس حداقل و حداکثر نمرات تعدیل می‌شود، میانگین‌های محاسبه شده بین ۱ تا ۵ قرار گرفته است. از میان متغیرهای درون‌زا (سبک‌های هویت) نیز به ترتیب هویت اطلاعاتی (۰/۵۳)، هویت سردرگم-اجتنابی (۰/۴۸-) و هویت هنجاری (۰/۳۴) بیش‌ترین تا کم‌ترین ضریب همبستگی را با رفتار محیط‌زیستی دارا هستند که هر سه این ضرایب نیز از

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. قاطعانه	۱							
۲. سهل‌گیر	** <sub>۰/۲۰</sub>	۱						
۳. مستبدانه	** <sub>۰/۱۶</sub>	** <sub>۰/۴۴</sub>	۱					
۴. بی تفاوت	** <sub>۰/۲۸</sub>	** <sub>۰/۲۲</sub>	** <sub>۰/۳۵</sub>	۱				
۵. اطلاعاتی	** <sub>۰/۴۱</sub>	** <sub>۰/۲۹</sub>	** <sub>۰/۲۳</sub>	- <sub>۰/۰۶</sub>	۱			
۶. هویت‌هنجاری	** <sub>۰/۲۴</sub>	** <sub>۰/۳۱</sub>	** <sub>۰/۳۳</sub>	** <sub>۰/۲۱</sub>	۰/۱۰	۱		
۷. سردرگم-اجتنابی	* <sub>۰/۱۳</sub>	** <sub>۰/۲۸</sub>	** <sub>۰/۴۶</sub>	** <sub>۰/۲۶</sub>	** <sub>۰/۲۵</sub>	* <sub>۰/۱۷</sub>	۱	
۸. رفتار محیط‌زیستی	* <sub>۰/۱۶</sub>	* <sub>۰/۱۲</sub>	** <sub>۰/۱۹</sub>	** <sub>۰/۳۱</sub>	** <sub>۰/۵۳</sub>	** <sub>۰/۳۴</sub>	** <sub>۰/۴۸</sub>	۱

دانش‌آموزان برابر با ۰/۰۷- است که معنادار نمی‌باشد. همچنین نتایج حاصل از این جدول نشان می‌دهد که اثر مستقیم هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم-اجتنابی دانش‌آموزان بر رفتار محیط‌زیستی آنان به ترتیب با ضرایب ۰/۴۶، ۰/۲۷، ۰/۴۱- و همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (جدول شماره ۳). در جدول شماره ۴ برآورد ضرایب اثرات غیرمستقیم متغیر پیش‌بین بر متغیر ملاک را مورد بررسی قرار می‌دهیم. اثر غیرمستقیم سبک سهل‌گیرانه والدین بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان برابر با ۰/۲۴-؛ اثر غیرمستقیم سبک مستبدانه والدین بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان برابر با ۰/۲۶؛ اثر غیرمستقیم سبک قاطعانه والدین بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان برابر با ۰/۲۱ و اثر غیرمستقیم سبک بی تفاوت والدین بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان برابر با ۰/۱۸- همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (جدول شماره ۴).

اثر مستقیم شیوه فرزندپروری قاطعانه بر هویت اطلاعاتی دانش‌آموزان برابر با ۰/۳۲ و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است و بر هویت هنجاری دانش‌آموزان برابر با ۰/۱۷ و در سطح ۰/۰۵ معنادار است. با این حال، اثر مستقیم شیوه فرزندپروری قاطعانه بر هویت سردرگم-اجتنابی دانش‌آموزان برابر با ۰/۱۰- می‌باشد که معنادار نیست. همچنین با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳، اثر مستقیم شیوه فرزندپروری مستبدانه بر هویت اطلاعاتی دانش‌آموزان برابر با ۰/۱۸- و در سطح ۰/۰۵ معنادار است و بر هویت هنجاری دانش‌آموزان برابر با ۰/۲۷ و بر هویت سردرگم-اجتنابی دانش‌آموزان برابر با ۰/۳۹ و هر دو در سطح ۰/۰۱ معنادار است. اثر مستقیم شیوه فرزندپروری بی تفاوت بر هویت هنجاری دانش‌آموزان برابر با ۰/۱۷- و بر هویت سردرگم-اجتنابی دانش‌آموزان برابر با ۰/۲۳ که هر دو در سطح ۰/۰۵ معنادار است، با این وجود شیوه فرزندپروری بی تفاوت بر هویت اطلاعاتی



جدول ۳. برآورد ضرایب اثر مستقیم

خطای استاندارد برآورد	پارامتر استاندارد شده	t
اثر مستقیم سبک سهل گیرانه بر:		
۳/۶۹	-۰/۲۴**	هویت اطلاعاتی
-۴/۶۸	-۰/۲۵**	هویت هنجاری
۴/۰۷	۰/۲۴**	هویت سردرگم- اجتنابی
اثر مستقیم سبک مستبدانه بر:		
۲/۲۷	-۰/۱۸*	هویت اطلاعاتی
۴/۳۳	۰/۲۷**	هویت هنجاری
۶/۲۹	۰/۳۹**	هویت سردرگم- اجتنابی
اثر مستقیم سبک قاطعانه بر:		
۵/۵۸	۰/۳۲**	هویت اطلاعاتی
۲/۱۶	۰/۱۷*	هویت هنجاری
-۰/۶۳	ns-۰/۱۰	هویت سردرگم- اجتنابی
اثر مستقیم سبک بی تفاوت بر:		
۰/۱۸	ns-۰/۰۷	هویت اطلاعاتی
۲/۳۲	-۰/۱۷*	هویت هنجاری
۳/۵۴	۰/۲۳**	هویت سردرگم- اجتنابی
اثر مستقیم هویت اطلاعاتی بر:		
۷/۳۹	۰/۴۶**	رفتار محیط زیستی
اثر مستقیم هویت هنجاری بر:		
۴/۸۱	۰/۲۷**	رفتار محیط زیستی
اثر مستقیم هویت سردرگم- اجتنابی بر:		
-۶/۷۵	-۰/۴۱**	رفتار محیط زیستی

\*P < ۰/۰۵ \*\* P < ۰/۰۱

جدول ۴. برآورد ضرایب اثر غیرمستقیم

متغیرها برآوردها	خطای استاندارد برآورد	پارامتر استاندارد شده	t
اثر غیرمستقیم سبک سهل گیرانه بر رفتار محیط زیستی	-۰/۲۴**	۰/۰۳	-۴/۸۸
اثر غیرمستقیم سبک مستبدانه بر رفتار محیط زیستی	۰/۲۶**	۰/۰۲	۵/۳۵
اثر غیرمستقیم سبک قاطعانه بر رفتار محیط زیستی	۰/۲۱**	۰/۰۲	۳/۴۲
اثر غیرمستقیم سبک بی تفاوت بر رفتار محیط زیستی	-۰/۱۸**	۰/۰۳	-۲/۹۶

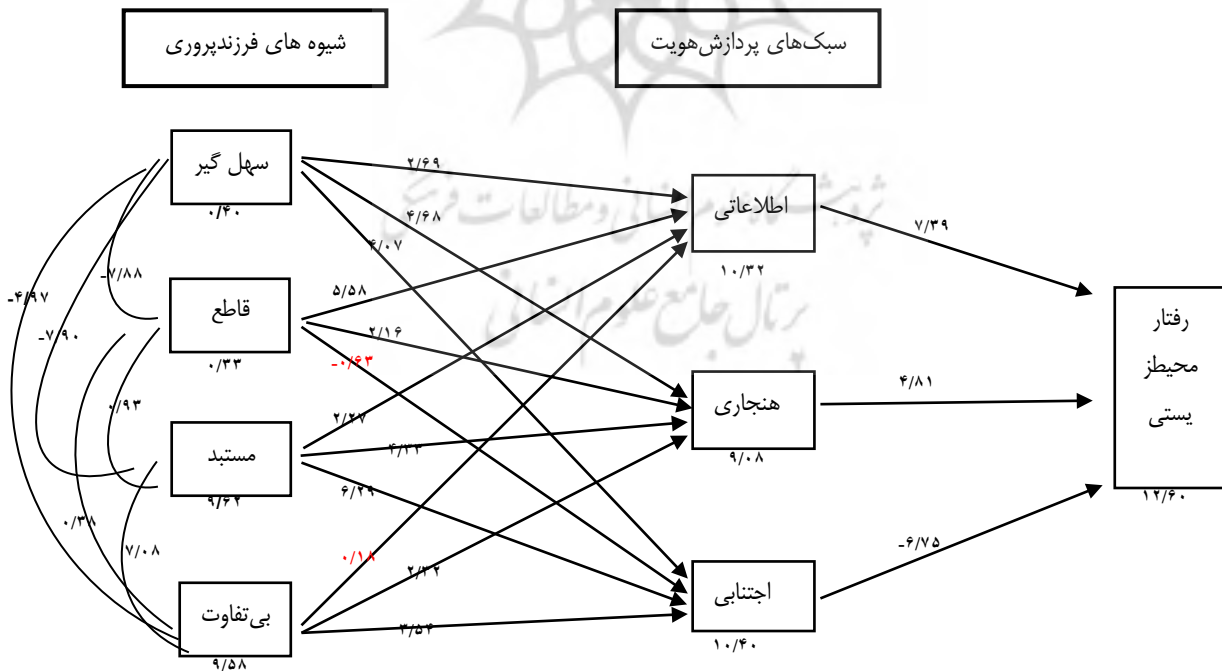
\*P < ۰/۰۵ \*\* P < ۰/۰۱

جدول ۵. ضرایب استاندارد شده اثرات مستقیم، غیرمستقیم و اثرات کل متغیرها بر رفتار محیط زیستی

متغیرها برآوردها	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	اثرات کل
به روی رفتار محیط زیستی از:			
فرزندپروری قاطعانه	-	۰/۲۱**	۰/۲۱**
فرزندپروری سهل گیر	-	-۰/۲۴**	-۰/۲۴**
فرزندپروری مستبدانه	-	۰/۲۶**	۰/۲۶**
فرزندپروری بی تفاوت	-	-۰/۱۸**	-۰/۱۸**
هویت اطلاعاتی	۰/۴۶**	-	۰/۴۶**
هویت هنجاری	۰/۲۷**	-	۰/۲۷**
هویت سردرگم- اجتنابی	-۰/۴۱**	-	-۰/۴۱**

این امر نقش واسطه‌ای متغیر سبک‌های پردازش هویت در میان سبک‌های فرزندپروری والدین و رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان را نشان می‌دهد (جدول شماره ۵). در رابطه با واریانس تبیین شده متغیرهای پژوهش، متغیرهای موجود در پژوهش حاضر توانسته‌اند ۴۱ درصد از واریانس رفتار زیست‌محیطی را تبیین نمایند. علاوه بر این، سایر متغیرهای درون‌زا، یعنی سبک‌های پردازش هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم-اجتنابی نیز به ترتیب ۲۸، ۲۵ و ۲۶ درصد از تغییرات رفتار محیط‌زیستی را تبیین می‌کنند. در رابطه با برازش مدل، با توجه به مشخصه‌های نکویی برازش، به علت این که نسبت کای دو به درجه آزادی ( $\chi^2/df$ ) برابر با ۰/۹۴ همگی بالای ۰/۹۰ است، در نتیجه برازش مدل پیش‌بینی رفتار محیط‌زیستی در سطح مطلوبی می‌باشد. در ادامه، نمودار مسیر مدل برازش شده رفتار محیط‌زیستی در حالت اعداد معناداری ارائه شده است.

در جدول شماره ۵ به منظور مقایسه اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرها بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان، برآورد ضرایب استاندارد شده اثرات مستقیم، اثرات غیرمستقیم و اثرات کل متغیرها بر رفتار محیط‌زیستی گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد هیچ‌کدام از سبک‌های فرزندپروری به عنوان متغیرهای برون‌زای پژوهش (سبک سهل‌گیرانه، مستبدانه، قاطعانه و بی‌تفاوت) بر رفتار محیط‌زیستی دارای اثر مستقیم نیستند. در حالی که اثر غیرمستقیم هرچهار بعد متغیر برون‌زا شامل سبک سهل‌گیرانه، سبک مستبدانه، سبک قاطعانه و سبک بی‌تفاوت بر رفتار محیط‌زیستی از نظر آماری در سطح ۰/۰۱ معنادار است که ۲/۹۲ کمتر از ۳ و مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب RMSEA برابر با ۰/۰۵۲ از ۰/۰۸ کمتر است. همچنین شاخص‌های برازندگی تطبیقی CFI برابر با ۰/۹۶، نکویی برازش GFI برابر با ۰/۹۵ و تعدیل شده نکویی برازش AGFI برابر با



شکل ۱. مدل برازش شده پیش‌بینی رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان در حالت اعداد معناداری

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شیوه فرزندپروری قاطعانه بر هویت اطلاعاتی و هنجاری اثر مستقیم و مثبت دارد ولی با هویت سردرگم-اجتنابی معنادار نمی‌باشد. با توجه به عدم معناداری اثر مستقیم سبک قاطعانه بر هویت سردرگم-اجتنابی، این یافته حائز اهمیت است. این یافته‌ها در مورد اثر مستقیم شیوهی فرزندپروری قاطعانه بر هویت اطلاعاتی و هنجاری هم‌سو با نتایج تحقیق پژوهش‌های گراتوانت و کوپر (۱۹۸۵)، بامریند (۱۹۹۱)، برزونسکی و کینی (۱۹۹۵)، اشتنبرگ (۱۹۹۶)، برزونسکی (۲۰۰۴)، خواجه پور (۱۳۸۶)، فولادچنگ و همکاران (۱۳۸۹)، آذریپکان (۱۳۹۰)، باباپور و همکاران (۱۳۹۱)، شیخ‌الاسلامی و همکاران (۱۳۸۷) و برزو (۱۳۹۳) می‌باشد. در تبیین این یافته باید گفت والدینی که از شیوه مقتدرانه استفاده می‌کنند، چون نسبت به فرزندان خود با محبت و دلسوزی رفتار می‌کنند و با آنها صمیمی هستند، به نیازهای آنها توجه نموده و در کنار این محبت، با کنترل متوسط یا بالا همراه با استدلال و منطق روحیه پذیرش و اطاعت را در کودک تقویت نموده و او را با واقعیات و بینش‌ها و نگرش‌ها آشنا می‌سازند در نتیجه آنها با آگاهی، ابتدا به ارزیابی اطلاعات پرداخته سپس تصمیم‌گیری می‌کنند. بنابراین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری در این افراد شکل می‌گیرد و افرادی متعهد، فعال، جستجوگر و مسئول می‌شوند که نسبت به خود و دیگران و محیط اطرافشان احساس مسئولیت زیادی می‌کنند. در سبک هنجاری افراد تمایل دارند در تصمیم‌گیری‌ها و عقایدشان با دستورات گروه مرجع و افراد مهم هم‌نوا شوند و خود را با ارزش‌ها و اهدافی متعهد می‌سازند که اغلب این تعهدسازی با کمک والدین یا مراجع قدرت صورت می‌گیرد؛ بنابراین دور از انتظار نیست که محبت و گرمی والدین به عنوان مراجع قدرت در محیط خانواده اثر مثبتی بر سبک هنجاری داشته باشد. نتایج پژوهش فولادچنگ (۱۳۸۹) و برزو (۱۳۹۳) نشان داد که بعد فرزندپروری محبت، پیش‌بین مثبت و معنادار سبک‌های پردازش هویت اطلاعاتی و هنجاری و پیش‌بین منفی و معنادار سبک‌پردازش سردرگم-اجتنابی است که نتیجه این پژوهش با پژوهش حاضر هم‌خوانی ندارد. در پژوهش حاضر اثر شیوه فرزندپروری قاطعانه بر سبک هویت سردرگم-اجتنابی معنادار نیست و این یافته جدیدی

در این تحقیق محسوب می‌شود. با توجه به این که در پژوهش برزو و فولادچنگ هر دو جنس پسر و دختر مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و از طرفی پژوهش در یک جامعه آماری بزرگ‌تر (شهر شیراز) و با بافت فرهنگی متفاوت‌تر نسبت به شهر داراب انجام شده، به نظر می‌رسد جنسیت و فرهنگ و داشتن بافت سنتی‌تر ممکن است علت عدم هم‌خوانی نتایج این پژوهش با نتایج پیشین باشد. فرزندان ساختار هویتی موجود را حفظ می‌کنند و ارزش‌هایی را می‌پذیرند که مورد قبول افراد معتبر است. نتیجه اتخاذ چنین روشی، بروز سبک هنجاری در نوجوان می‌باشد. از طرفی چون این شیوهی فرزندپروری از نظر پذیرش و روابط نزدیک، پایین و از نظر کنترل اجباری، بالا و از نظر استقلال دادن، پایین است و والدین خواسته‌های زیادی دارند؛ اما در قبال فرزندان‌شان پاسخگو نیستند و انتظار دارند فرمان‌هایشان بدون چون و چرا اطاعت شود، به نظر می‌رسد این کودکان از سطوح پایین تعهد، عزت‌نفس پایین، خودپنداره متغیر برخوردار باشند و از موقعیت‌هایی که مستلزم تصمیم‌گیری هستند، اجتناب می‌کنند در نتیجه افرادی جستجوگر، فعال و ارزیاب نخواهند بود و این امر منجر به ظهور سبک اطلاعاتی در ایشان نخواهد شد. همچنین چون والدین مستبد، سرد و طردکننده و دارای معیار خشک هستند و برای کنترل کودکان خود از شیوه‌های ایجاد ترس استفاده می‌کنند و چون نمی‌توانند دلیلی که پشت این قوانین است را توضیح دهند؛ بنابراین، این کودکان محتاط، منزوی و آسیب‌پذیر هستند و در نتیجه این امر می‌تواند منجر به بروز سبک هویت سردرگم-اجتنابی در فرزندان گردد.

برزونسکی، آدامز، کیتینگ (۲۰۰۶)، خواجه‌پور و عطار (۱۳۸۴)، فولادچنگ و همکاران (۱۳۸۹)، آذریپکان (۱۳۹۰)، برزو (۱۳۹۳) می‌باشد. والدین در شیوه مستبدانه با کنترل زیاد فرزندان سعی دارند آنها را در مسیری قرار دهند که از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی فاصله نگیرند. آنها به شدت بر اطاعت از قوانین تأکید دارند و مرتباً به امر و نهی کردن بدون استدلال و منطق می‌پردازند بدون آنکه به نیازهای فرزندان توجه نمایند، به همین دلیل کودکان در تصمیم‌گیری‌ها قدرت انتخاب ندارند و از استقلال رأی اندکی برخوردارند؛ بنابراین یکی دیگر از یافته‌های به دست آمده در این پژوهش اثر مستقیم شیوهی فرزندپروری مستبدانه بر

همکاران (۱۳۸۹)، آذریکان (۱۳۹۰)، باباپور و همکاران (۱۳۹۱)، برزو (۱۳۹۳) می‌باشد. در تبیین نقش محبت و کنترل والدین در پیش‌بینی سبک‌های پرورش‌دهی، باید اظهار داشت که فرزندان که از جانب والدین طرد می‌شوند و به لحاظ عاطفی با والدین خود فاصله دارند، دچار پراکندگی هویت می‌شوند و از موقعیت‌هایی که مستلزم تصمیم‌گیری هستند، اجتناب می‌کنند. در سبک بی‌تفاوت به دلیل آزادی زیاد و کنترل کم به همراه سردی، نه تنها دستیابی به هویت اطلاعاتی امکان‌پذیر نیست، بلکه با هویت هنجاری هم رابطه منفی دارد و این‌گونه افراد نمی‌توانند با هنجارهای اجتماعی سازگار باشند.

در مورد بررسی اثر شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های پرورش‌دهی با رفتار محیط‌زیستی، چون تاکنون تأثیر این دو متغیر با رفتار محیط‌زیستی انجام نشده است در نتیجه ارتباط این دو متغیر (شیوه فرزندپروری و سبک پرورش‌دهی) با سایر رفتارهای نزدیک به متغیر ملاک (رفتار محیط‌زیستی) تحقیق بیان می‌شود که در تبیین نتایج مشخص است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هویت اطلاعاتی و هنجاری به صورت مثبت و معنادار و هویت سردرگم-اجتنابی به صورت منفی و معنادار بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان اثر دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های حاجی‌زاده‌میمندی (۱۳۹۳)، شمس‌اسفندآباد (۱۳۹۰)، سیگلن و شیفر (۱۹۹۵)، برزونسکی و کوک (۲۰۰۵، ۲۰۰۰)، بوید و هانت (۲۰۰۳)، پچن (۲۰۰۶)، حجازی-شهرآرای و همکاران (۲۰۰۹)، حجازی-فارسی‌نژاد و عسکری (۱۳۸۶)، سعادت‌شامیر (۱۳۸۶) هم‌سو می‌باشد. در تبیین اثر مثبت هویت اطلاعاتی بر رفتار محیط‌زیستی باید اظهار داشت که چون سبک‌های هویت، بازتابی از جهت‌گیری‌های پرورش‌دهی است که هستند و نوجوان هنگام ساختن هویت خود و متعهد شدن نسبت به ارزش‌ها و باورها از آنها استفاده می‌کند احساس مسئولیت عمیقی را به همراه دارد در نتیجه، از پایه‌های محکم عاطفی، توأم با آزادی شخصی و مسئولیت‌پذیری قابل توجهی برخوردار می‌باشند که می‌تواند در رفتار محیط‌زیستی آنان نیز نمود کند.

در تبیین نقش مثبت سبک هویت هنجاری در پیش‌بینی رفتار محیط‌زیستی می‌توان گفت، از آن جایی که والدین این افراد تأکید

هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و هویت سردرگم-اجتنابی دانش‌آموزان است. براساس این یافته‌ها سبک فرزندپروری مستبدانه با هویت هنجاری و سردرگم-اجتنابی رابطه مستقیم معنادار و مثبت و با هویت اطلاعاتی رابطه معنادار و منفی دارد. این یافته‌ها هم‌سو با نتایج تحقیق پژوهش‌های بامریند (۱۹۹۱)، آدامز و گالوتا (۱۹۹۴)، برزونسکی و کینی (۱۹۹۵)، اشتنبرگ (۱۹۹۶)، یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش در ارتباط با اثر مستقیم شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه بر هویت اطلاعاتی، هویت هنجاری و هویت سردرگم-اجتنابی دانش‌آموزان است. براساس این یافته‌ها سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با هویت اطلاعاتی و هنجاری رابطه معنادار و منفی و با هویت سردرگم-اجتنابی رابطه معنادار و مثبت دارد. این یافته‌ها هم‌سو با نتایج تحقیق پژوهش‌های آدامز و گالوتا (۱۹۹۴)، دارلینگ (۱۹۹۹)، برزونسکی (۲۰۰۴)، آدامز و همکاران (۲۰۰۶)، خواجه‌پور (۱۳۸۶)، فولادچنگ و همکاران (۱۳۸۹) و برزو (۱۳۹۳) می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت نقش محبت به تنهایی نمی‌تواند پیش‌بین مثبتی برای هویت اطلاعاتی و هنجاری باشد، لازم است که والدین در کنار اینکه با فرزندان خود رابطه گرم و صمیمی دارند، برای رفتارهای فرزندان خود معیارها و قوانینی را مشخص کنند و در کنار کنترل متوسط تا زیاد بر رفتار آنان، از پراکندگی و سردرگمی هویت در فرزندان جلوگیری کنند و آنان را به افرادی جستجوگر، متعهد با خودپنداره پویا تبدیل کنند که می‌توانند در رویارویی با مسائل و موقعیت‌ها، تصمیم‌گیری صحیح داشته باشند. بر اساس یافته‌های این پژوهش شیوه فرزندپروری بی‌تفاوت با هویت سردرگم-اجتنابی اثر معنادار و مثبت دارد ولی با هویت هنجاری اثر معنادار و منفی دارد و اثر مستقیم شیوه فرزندپروری بی‌تفاوت بر هویت اطلاعاتی دانش‌آموزان معنادار نمی‌باشد که با توجه به عدم معناداری اثر مستقیم سبک بی‌تفاوت بر هویت اطلاعاتی، این یافته نیز حائز اهمیت است و یافته جدیدی در این تحقیق محسوب می‌شود. این یافته‌ها هم‌سو با نتایج تحقیق پژوهش‌های گراتوانت و کوپر (۱۹۸۵)، شیفر (۱۹۶۵)، برزونسکی و کینی (۱۹۹۵)، اشتنبرگ (۱۹۹۶)، برزونسکی (۲۰۰۴)، ماکوبی و مارتین (۲۰۰۶)، خواجه‌پور (۱۳۸۶)، محمدی (۱۳۸۴)، فولادچنگ و

مثبت دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که والدین مقتدر برای هدایت رفتار کودک خود، قوانین و رهنمودهایی را پی‌ریزی می‌کنند و در عین صمیمیت و دوستی و نظارت دقیق بر انجام فعالیت‌های فرزندشان، آنها را در کارهای مختلف شریک کرده و با ترغیب ایشان به اطاعت از قوانین، حس تعهد و مسئولیت‌پذیری را در آنها تقویت می‌کنند این شیوه به فرزندان کمک می‌کند تا با هنجارهای اجتماعی بهتر سازگار شوند. افرادی که دارای یک هویت اجتماعی قوی هستند، در قبال محیط زیست رفتارهای بهتری دارند و رفتارهای مطلوب‌تری نسبت به محیط‌زیست از خود نشان می‌دهند. بنابراین سبک مقتدرانه والدین از طریق سبک‌های پردازش هویت (اطلاعاتی و بعضاً هنجاری) و با توجه به ایجاد احساس تعهد بالا و مسئولیت‌پذیری زیاد در نوجوانان بر رفتارهای محیط‌زیستی آنان تأثیر مثبت و غیرمستقیم می‌گذارد و باعث بروز رفتارهای مثبت محیط‌زیستی در آنان می‌شود.

همچنین یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری مستبدانه والدین از طریق سبک‌های پردازش هویت بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان اثر غیرمستقیم و مثبت دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت چون این نوع سبک باعث بروز هویت هنجاری می‌شود، نوجوان با پذیرش ارزش‌های مورد قبول افراد معتبر که معمولاً به شکل قوانین مختلف در جامعه وجود دارد، در قبال این ارزش‌ها و اطاعت از قوانین موجود احساس تعهد بالایی دارند؛ بنابراین فرزندان این والدین، به قوانین محیط‌زیستی احترام گذاشته و رفتارهای محیط‌زیستی مثبت از خود نشان می‌دهند.

سبک سهل‌گیرانه والدین از طریق سبک‌های پردازش هویت بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان اثر غیرمستقیم و منفی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت چون والدین سهل‌گیر کنترل و نظارت اندکی بر اعمال نوجوان دارند، او را آزاد گذاشته و تأکیدی بر اطاعت از قوانین ندارند و خودشان نیز معیارهای اندکی برای فرزندان تعیین می‌کنند و کمتر به راهنمایی وی می‌پردازند همین امر باعث پراکندگی هویت در نوجوان می‌گردد که به سبک سردرگم-اجتنابی در وی منجر می‌شود. در این شیوه به دلیل اینکه نوجوان فاقد سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری است، نسبت به قوانین و هنجارهای اجتماعی بی‌توجه و از سطوح پایین تعهد و مسئولیت‌پذیری و عدم وظیفه‌شناسی برخوردار است و نسبت به

زیادی بر اطاعت از قوانین دارند، این افراد ارزش‌هایی را می‌پذیرند که مورد قبول افراد معتبر است و در قبال ارزش‌های پذیرفته‌شده، احساس تعهد بالایی دارند. آنها به‌طور خودکار، ارزش‌ها و عقاید را بدون ارزیابی آگاهانه می‌پذیرند و درونی می‌کنند. در نتیجه قوانین و مقرراتی را که درباره محیط‌زیست ممکن است از طریق افراد معتبر و مراجع ابلاغ شود، پذیرفته و در قبال محیط زیست احساس تعهد و مسئولیت می‌کنند. افرادی که دارای یک هویت اجتماعی قوی هستند، در قبال محیط‌زیست رفتارهای بهتری دارند.

در تبیین نقش منفی سبک سردرگم-اجتنابی در پیش‌بینی رفتار محیط‌زیستی باید گفت نوجوانان برخوردار از سبک هویت سردرگم-اجتنابی به طور قابل توجهی سطح پایینی از تعهد، احساس مسئولیت و مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌های اجتماعی و محیط‌زیستی و غیره را از خود نشان می‌دهند در نتیجه، نمی‌توانند در قبال محیط زیست رفتارهای مناسبی از خود نشان دهند.

از دیگر نتایج به دست آمده در این پژوهش، نتایج اثرات غیر مستقیم متغیرهای برون‌زای پژوهش (شیوه فرزندپروری مقتدرانه، مستبدانه، سهل‌گیرانه و بی‌تفاوت) بر رفتار محیط‌زیستی می‌باشد. اگر چه تاکنون اثر غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری والدین بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان از طریق سبک‌های پردازش هویت مورد بررسی قرار نگرفته است، ولی با توجه به اثر مستقیم شیوه فرزندپروری بر سبک‌های پردازش هویت از یک سو، نتایج تحقیق پژوهش‌های گراتوانت و کوپر (۱۹۸۵)، بامریند (۱۹۹۱)، خواجه‌پور (۱۳۸۶)، فولادچنگ و همکاران (۱۳۸۹)، آذربیکان (۱۳۹۰)، باباپور و همکاران (۱۳۹۱)، برزو (۱۳۹۳)، و اثر مستقیم سبک‌های پردازش هویت بر رفتار، از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌های برزونسکی و کوک (۲۰۰۵ و ۲۰۰۰)، بوید و هانت (۲۰۰۳)، بیگلن و بولز (۲۰۰۶)، حجازی-شهرآرای و همکاران (۲۰۰۹)، شمس‌اسفندآباد (۱۳۹۰)، حاجی‌زاده میمندی (۱۳۹۳)، می‌توان اثر غیرمستقیم سبک فرزندپروری قاطعانه والدین بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان را از طریق سبک‌های پردازش هویت تبیین نمود.

یافته‌ها نشان داد که سبک قاطعانه والدین از طریق سبک‌های پردازش هویت بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان اثر غیرمستقیم و

کارهای آنها نیست تا نقاط ضعف و اشتباهات خود را بشناسند، نوجوان تجربه‌ای از فعالیت‌های گروهی را نمی‌آموزد، در نتیجه فرزندان آنان، درجاتی از ضعف، مسئولیت‌ناپذیری و عدم تعهد را نشان می‌دهند و چون رغبتی به تعهدداشتن به هیچ‌یک از هویت‌های مختلف ندارند، هیچ گونه مسئولیتی در قبال دیگران، اجتماع و محیط زیست پیرامون خود احساس نمی‌کنند و در نتیجه رفتار محیط‌زیستی کمتری از خود نشان می‌دهند.

اجتماع و محیط اطراف خود بی‌اهمیت بوده و در نتیجه رفتارهای مثبت کمتری در قبال محیط زیست انجام می‌دهد و یا به طور کلی رفتارهای مثبت محیط‌زیستی ندارد.

یکی دیگر از نتایج اثرات غیرمستقیم این پژوهش این است که سبک بی‌تفاوت والدین از طریق سبک‌های پردازش هویت بر رفتار محیط‌زیستی دانش‌آموزان اثر غیرمستقیم و منفی دارد. در تبیین این یافته باید گفت چون والدین بی‌تفاوت در هر دو بعد محبت و کنترل بی‌توجهی می‌کنند، بنابراین نظارتی بر اعمال و

## References

- Adams. G. R. and Gullotta, T. P. (1994). "Adolescent life experiences". California: Wadsworth, Ink.
- Aghili, S. M.; Khoshfar, GH.; Salehi, S. (2009). "Social capital and environmental responsible behaviors in north of Iran (Case study: Gilan, Mazandaran and Golestan)". *Faculty of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan. Volume 16 Special A*. pp:236-250 [In Persian].
- Allison, M.D. & Sabbatelli, R.M. (1988). "Differentiation and individuation as mediators of identity and intimacy in adolescence". *Journal of Adolescent Research*. 3. pp: 1-16.
- Azar Pykan, J. (2011), "Investigate the relationship between parenting and components of identity processing styles". Shiraz University. College of Psychology. Master's thesis. [In Persian].
- Babapur Kheiradin, J.; Anamagh, E.; Gholamzadeh, M. and Mohammadpur, V. (2012). "The relationship between parenting styles and identity styles in teenagers". *Journal of Psychology*. 62 / year 16th, No. 2, Summer2012. [In Persian].
- Baumrind, D. (1971). "Current patterns of parental authority". *Developmental Psychology*. 4. pp. 1- 103.
- Berzonsky, M.D.; Michael, D.; Linda, S. Kuk. (2005). "Identity style, psychosocial maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*". 39. pp: 235-247.
- Bornstein, M.H.; Zlotinik, D. (2008). "Parenting style and their effects". *encyclopedia of infant and early childhood development*. PP. 496-509.
- Borzu, Sh. (2014). "The relationship between parenting style and responsibility in adolescents: the role of mediation processing style". Shiraz University, Faculty of Education Psychology. A Master's thesis. [In Persian].
- Boyd, V. S.; Hunt, P. F.; Kandell, J. J. L.; Margarethe, S. (2003). "Relationship between identity processing style and academic success in undergraduate student". *Journal of College Student Development*. 44. pp: 155-167.
- Buttel, F.H. (1979). "Age and Environmental Concern: A Multivariate Analysis". *Youth and Society*. 10(3). pp: 237-255.
- Daneshvar Rad, S. (2009). "The amount of interest and environmental behavior of students and teachers concerning the protection of the environment in high school in Qom". PNU Tehran, educational science with a focus on curriculum planning. master's thesis. [In Persian].
- Darling, N.; Steinbrg, L.(1995). "Parenting style as context, an integrative model". *Psychological Bulletin*. 113. pp. 484-469.
- Darling, N. (1999). "Parenting style and its correlates". *Genetic, social & General*

- Psychology Monographs*. Vol. 125. Issue 3. pp. 269 - 297.
- Dunlap, R. E. & Cotton, W.R. (1979). "Environmental Sociology". *Annual Review of Sociology*. 5. pp. 243-273.
- Dunlap, R. E. & Van Liere, K. D. (1978). "The new environmental paradigm: A proposed measuring instrument and preliminary results". *Journal of Environmental Education* 9. pp. 10-19.
- Emamgholi, L. (2011). "The effect of social capital on environmental behavior (Case Study: Kurdistan)". Mazandaran University. Faculty of Humanities and Social Sciences. Master's thesis in the field of social science research. [In Persian].
- Erikson, E.H. (1959). "Identity and the life cycle". New York. International universities press.
- Esmaeili, F. (2009). "Sociological factors affecting the environmental attitudes of third grade students in Tehran high school". Payam Noor University of Tehran, Faculty of Economics and Social Sciences, Master's thesis. [In Persian].
- Esmailzadeh, A. (2009). "Fifth grade elementary school students study the behavior of environmentally friendly four areas of the city of Karaj in the 2008-2009 school year". Payam Noor University. Faculty of Humanities. Department of Education. Master's thesis in the field of curriculum. [In Persian].
- Farahmand, M. & Shoukuhifar, K. & Sayar Khalaj, H. (2014). "Social Factors influencing environmental behavior (the case of citizens of the city of Yazd)". Portal Comprehensive Human Sciences. Institute for Humanities and Cultural Studies. Urban Sociological Studies. Issue 10. Spring 2014. pp. 23-1. [In Persian].
- Ferdowsi, S.; Mortezaei, S.H.; Rezvani, N. (2007). "The relationship between environmental knowledge and practices to protect the environment". *Journal of Human Science*. No. 52. Spring 2007. pp. 164-15. [In Persian].
- Fiallo, E. A. and Jacobson, S. K. (1994). "Local communities and protected areas: Attitudes of rural residents towards conservation and Machailla National Park, Ecuador". *Environmental Conservation*. 22 (3), pp: 241-249.
- Fooladchang, M.; Sheykh-ol-eslami, R.; Safari, H. (2010). "Predicting adolescents' identity processing styles on the basis of parenting". *Journal of Psychology*. 53. Issue 1. Spring 2010. pp.17-3 [In Persian].
- Hajizade Meimandi, M.; Sayrkhaj, H. K. (2014). "Cultural factors related to the environmental review practices (Case Study: Yazd)". *Journal of Economic Sociology and Development*. third year., The first issue. pp. 107-83 [In Persian].
- Hejazi, L.; Farsinezhad, M.; Askari, A. (2008). "Identity styles and academic achievement, the role of self-education". *Journal of Psychology*. Volume.11. Issue.44. Winter 2008. pp. 413-394. [In Persian].
- Hoseini Nasab, D.; Ahmadian, F.; Ravanbakhsh, M.H. (2007). "Compare investigate the relationship between parenting styles and self- efficacy and mental health of students". *Studies in Education and Psychology*. Ferdowsi University. pp.38-21 [In Persian].
- Kargar Shuli, H.; Pak Nejad, F. (2003). "The family, the first factor influencing student identification". *Journal of Special Education and Psychology*. Ferdowsi University. fourth year. Issue 1. (7). pp.166-182. [In Persian].
- Karimi, L. (2010). "Study sociological factors influencing environmental behavior (relying on water consumption behavior)". Tehran. Payam Noor University of Tehran. Faculty of Humanities. Department of Sociology. Master's thesis. [In Persian].
- Keshavarzi Arshadi, F. (2009). "The effect of identity styles and emotional intelligence in predicting achievement motivation and academic performance Masters". *Journal of Thought and Behavior*. Volume 4. Issue 13. Fall 2009. pp. 57-43. [In Persian].
- Khabaz, M.; Saadipur, E.; Farokhi, A. (2010)., "Test the causal relationship between the

- identity and identity commitment adolescents". *Journal of Educational Psychology*. Volume 6. Issue 16. Spring 2010. pp. 127-45. [In Persian].
- Khajepur, M. (2005). "The parenting practices with respect to identity and the relationship between the two variables states in four areas of male and female students of pre-university education in the city of Shiraz". Islamic Azad University of Shiraz. Faculty of Education Psychology. Master's Thesis. [In Persian].
- Lagzian, M.; Hadadian, A.; Kafashan, M. (2014). "Students' perception of electronic services for academic libraries: a study based on the theory of planned behavior Ajzen". *Journal of Iranian Research Institute for Information Science and Technology*. Volume 29. Number 2. Winter 2014. pp. 350-333. [In Persian].
- Maccoby, E. E. & Martin, J. A. (1983). "Socialization in the context of the family: Parent-child interaction". In Hetherington, E. M. & Mussen, P. H. (Eds.). *Handbook of child psychology: Vol. 4. Socialization, personality, and social development*. pp. 1-101. New York: Wiley.
- Mahbubi, M. R.; Ramezani, N. (2009). "Assessment of environmental ethics villagers in Golestan Province". *Ethics in Science and Technology*. N. 3. pp. 58-67 [In Persian].
- Marcia, J. E. (1993). "The status of the statuses: Research review". In Marcia, J. E.; Waterman, A. S.; Matteson, D. R.; Archer, S. L. & Orlofsky, J. L. (Eds.). *Ego identity: A handbook for psychosocial research*. pp. 22-41. New York. Springer-Verlag.
- Mohamadi, Z. (2008). "Determination of paternity predict between male and female students of Shiraz University". *Psychological Studies*. Faculty of Education & Psychology. University Alzahra. Volume 4. Issue 2. Summer 2008. pp. 40-56. [In Persian].
- Pachen, M. (2006). "Public attitudes and behavior about climate change". PCCRC, outreach Publication. 0601. [www.purdue.edu/climate](http://www.purdue.edu/climate).
- Parizangene, A.; Lakan, Ch. (2010). "Environmental education and the environment prospect of Iran". Fourth Conference of Environmental Engineering. Cilivika. pp.1-11. [In Persian].
- Parizanganeh, A. H. and Lakhan, V. C. (2005). "Concern for the Natural Environment by Muslims from Iran and Guyana". *Journal of Indo Caribbean Research*. Volume 6. No. 1. [In Persian].
- Pasha, GH. R.; Godarzian, M. (2008). "The relationship between identity styles and responsibility in students' growth and moral development". *New findings in the journal Psychology*. 2. Number 4(8). pp. 99-87. [In Persian].
- Rahmanpur, N.; Bahrami, H.; Karimi, Y. (2010). "The relationship of identification with compatibility levels in high school female students in Tehran". Institute for Humanities and Cultural Studies. Comprehensive Human Sciences Portal. [In Persian].
- Salehi, S.; Pazukinejad, Z.; Emamgoli, L. (2013). "Education and the environment (Attitudes, behavior and environmental awareness of students)". *Journal of Education martyr Chamran University*. Sixth. 20 years. (2). Fall-Winter 2013. pp. 190-171. [In Persian].
- Salehi, S. (2008). "A Study of Factors Underpinning Environmental Attitudes and Behaviours". Phd. The University of Leeds. [In Persian].
- Samani, S.; Fooladchang, M. (2006). "Psychology of Adolescents". Shiraz. Malek Solemon Publishing. [In Persian].
- Sandy, F. (2013). "The relationship between parenting styles with female students' self-esteem and identity". University of Guilan. Faculty of Humanities. Master's Thesis.
- Schahn, J. and Holzer, E. (1990). "Studies of individual environmental concern: The role of knowledge, gender, and background variables". *Environment and Behavior*. 22 (6). pp.767-786.



- Shawn, M. & Gerald, R. Adams (2014). "Family climate and identity style during late Adolescence". *International Journal of Theory and Research*. 4:1. pp.77-95.
- Shaffer, D. (1985). "Child and adolescent psychiatry: Modern approaches". (2nd Ed.). Oxford. Blackwell Scientific Publication.
- Shams Esfandabad, H.; Kakavand, A.; Torabi, Z. (2011). "Relationship between attachment styles and identity, public health and academic achievement of pre-university city of Qazvin". *New ideas of Education*. School of Psychology. University of AL-Zahra. Vol. 7. Issue 2. Summer 2011. pp.128-107. [In Persian].
- Shobeiri, S. M.; Meibodi, H.; Saradipur, A. (2014). "Environmental factors influencing the behavior of the citizens of the world". *Marefat* (23). No. 201. Summer 2014. pp. 83-95 [In Persian].
- Sternberg, R. J. & Grigorenko, E. L. (1996). "Are cognitive styles still in style?". *American Psychologist*. 52. (7). pp. 700-712.
- Stern, P. C.; Dietz, T. and Kalof, L. (2000). "Value Orientations, Gender, and Environmental Concern". *Environment and Behavior*. 25(3). pp.322-348.
- Zekavat, S. M. (1977). "The state of the environment in Iran". *Journal of Developing Societies*. 13(1). pp.49-72. [In Persian].

